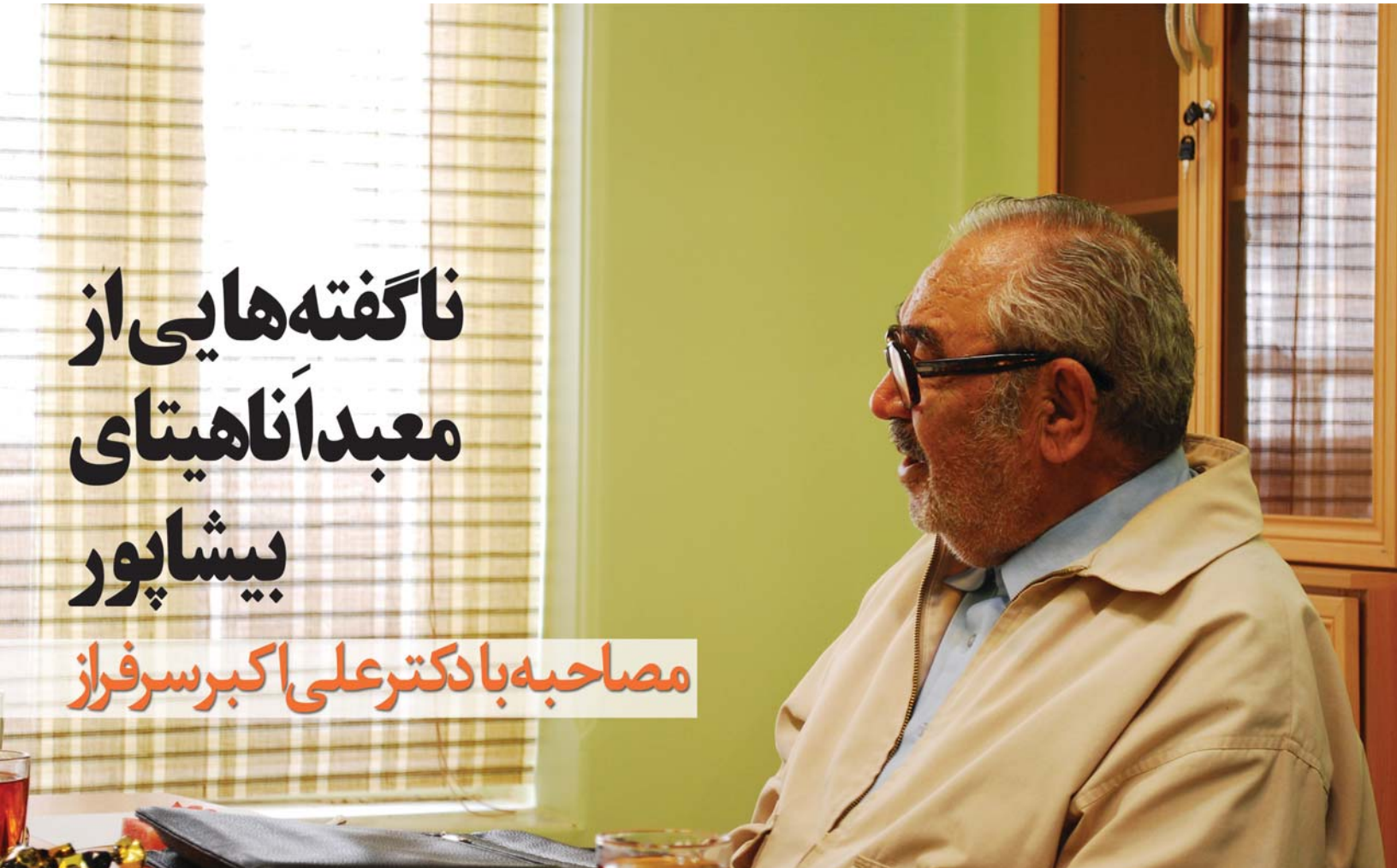


ناگفته‌هایی از معبد آناهیتای بیشاپور

مصاحبه با دکتر علی اکبر سرفراز



صحبت از معبد آناهیتای بیشاپور بهانه ای شد تا سردبیر مجله به سراغ یکی از پیشکسوتان باستانشناسی ایران رفته و درباره این اثر ارزشمند دوره ساسانی به گپ و گفتگو بنشینند. آقای دکتر منصوری (سردبیر ماهنامه) میزبان استاد علی اکبر سرفراز، استاد باستانشناسی دانشگاه تهران و مسئول گروه باستانشناسی و مرمت معبد آناهیتای بیشاپور بودند. موضوعات ناگفته‌ای از سال‌ها تلاش دکتر سرفراز برای مرمت این بنای ارزشمند وجود داشت که سعی شده در این مصاحبه به آن‌ها پرداخته شود.

درباره بیشاپور و بسیاری دیگر از مناطق تاریخی این سرزمین سوالات بسیاری وجود دارد. محققین نیز اکثراً برداشتی منطبق با پیش زمینه فکری خود و به خصوص فرهنگ غرب از آن‌ها ارائه کرده‌اند. دکتر سرفراز به‌عنوان اولین باستان‌شناس ایرانی، منطقه بیشاپور و نیز معبد آناهیتا را در طی مدت ۴ سال مورد مرمت قرار دادند. به گونه‌ای که به گفته خود ایشان، به غیر از مرمت ناقصی که در دوره ساسانی اعمال شده درباره اصالت بقیه بنا و مرمت آن شکی وجود ندارد. به دلیل عملکرد خاص بنای معبد آناهیتا در نمایش و ستایش آب بنا فاقد سقف است. به این ترتیب نیایشگر تصویر خود را در آب همچون آینه مشاهده می‌کرده است. کاربرد نمادین آب، همچون معبد بیشاپور، بعد‌ها در معماری دوره اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفت.

گزارش‌هایی از بازدید خارجیان از این منطقه وجود دارد. در سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹ شمسی آقای گیرشمن از این مکان بازدید به عمل آورد و همچون محققین گذشته افکار خود را در قضاوت نسبت به این بنا دخیل نمود و معبد آناهیتا را تنها بر اساس نیمه ساقه ستونی در حدود ۶۰ یا ۷۰ سانتی متر که پایه آتش فرض کرده بود، به اشتباه آتشگاه نامید. وی در دو جلد کتابی نیز که درباره بیشاپور به رشته تحریر درآورد بیشتر از جنگ‌های بین ایران و روم صحبت به میان آورده است تا خود شهر و مشخصات آن. وی با هدف پیدا کردن اشیاء قیمتی، ستون‌های بنای یادبود شاپور را به تصور وجود جایگاه نذورات خرد کرد تا بتواند زیر آن‌ها را حفاری کند. وی به اشتباه این بنا را با همین نام جایگاه

خواهشمندم در ابتدا مختصری از سابقه تاریخی معبد بیشاپور و سابقه کاوش در این سایت باستان‌شناسی را برای خوانندگان شرح دهید.

به عقیده من منطقه بیشاپور و بسیاری دیگر از مناطق تاریخی این سرزمین هنوز ناشناخته هستند و به سوالات بسیاری درباره آن‌ها باید پاسخ داده شود. بازدید کنندگان خارجی نیز که این آثار را گزارش کرده‌اند به دلیل عدم آشنائی با فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم، برداشتی منطبق با پیش زمینه فکری خود و به خصوص فرهنگ غرب از آن‌ها ارائه کرده‌اند. آن‌ها آن‌طور که باید و شاید بیشاپور را ناشناخته‌اند و تصورات خود را از آن ارائه داده‌اند. از نظر سابقه بررسی تاریخی، از ۴۰۰ یا ۵۰۰ سال قبل

گروه تحت سرپرستی من طی روند اکتشافات کل بنای معبد آناهیتا را با طول ۱۴ متر و عرض ۱۴ متر با حفظ کامل اطلاعات تک تک سنگ‌ها و جایگاه آن‌ها، تنها در عرض ۴ سال و با کار بی وقفه به نقطه‌ای دیگر جهت فراهم شدن امکان حفاری زیر بنا منتقل نمود و سپس دقیقاً به وضع اولیه بازگرداند.

۵۲

نذورات نیز معرفی کرده بود. وی با ایجاد سونداژهای غیر علمی تخریب‌های زیادی به بنا وارد کرده بود. در حقیقت گروه باستان شناسی به سرپرستی اینجانب برای نخستین بار در این منطقه به تحقیق و کاوش جدی پرداخت.

■ از چه زمانی و در چه شرایطی در بیشاپور آغاز به تحقیق کردید و چه آثاری را مرمت نمودید.

من در زمستان ۱۳۴۶ یا ۱۳۴۷ به منطقه اعزام شدم. در حالی که هیچ‌گونه امکانات زندگی در محل موجود نبود. بسیاری از زمین‌های باستانی نیز در قالب طرح اصلاحات ارضی حکومت وقت و در حالی که در سال ۱۳۱۰ جزء آثار ملی به ثبت رسیده بودند به کشاورزان محلی فروخته شده بود. اما اهالی با آگاه شدن از هدف مقدس این تحقیقات جهت نجات فرهنگ و تمدن ایران کمال همکاری را با ما نمودند.

گروه تحت سرپرستی من طی روند اکتشافات کل بنای معبد آناهیتا را با طول ۱۴ متر و عرض ۱۴ متر با حفظ کامل اطلاعات تک تک سنگ‌ها و جایگاه آن‌ها، تنها در عرض ۴ سال و با کار بی وقفه به نقطه‌ای دیگر جهت فراهم شدن امکان حفاری زیر بنا منتقل نمود و سپس دقیقاً به وضع اولیه بازگرداند.

■ کاخ شاپور و تالار مجاورش را نیز گروه شما مورد حفاری قرار داد؟

بله. حفاری‌های کاخ بیشاپور نیز بر عهده ما بود. ضمن این‌که ستون‌های شکسته شده توسط گیرشمن را نیز ترمیم نمودیم.

■ آیا در کتیبه‌ای که بر روی ستون در بیشاپور قرار گرفته، می‌توان اسنادی راجع به روند شهرسازی این شهر و قانون شکل‌گیری آن یافت؟

خیر. بخشی از متن کتیبه که به دو خط پهلوی و اشکانی و

ساسانی است، بر اساس آنچه پروفیسور "لوکونین" روسی ترجمه کرده، چنین است: از سال ۴۸ از آتش اردشیر و سال ۲۵ از آتش شاپور، این مکان توسط اپسای دبیر (مهندس) ساخته شد. و خلعت و کنیزکان و گاو و وجوهات بسیاری به وی اعطا شد. البته از روی عکس‌های هوایی و تحقیقات انجام شده مشخص است که خیابان‌ها در این شهر شمالی جنوبی و شرقی غربی هستند و در زوایای قائم این خیابان‌ها کوچه‌ها ساخته شده بودند. بنای یادبود شاپور (ستون‌ها) درست در مرکز شهر واقع بوده و کهن دژ در جبهه شمالی، مربوط به خاندان سلطنتی می‌شده است. بیشاپور بر اساس شهرهای گذشته هیپودام (نام‌گذاری شهرهای مستطیل شکل به نام هیپوداموس در قرن پنجم قبل از میلاد) و به شکل مستطیل بود و در بهترین نقطه راه شاهی ساسانی و در کنار تنها رودخانه شاهرود که از چشمه ساسان سرچشمه می‌گرفت، قرار داشت.

■ در بیشاپور مانند فیروز آباد، برج آتش وجود داشته است؟

خیر، اما آتش در فضای باز به صورت آتشدان بر روز ارتفاعات، همچون قلعه دختر، مشتعل بوده است. مذهب در آن زمان آئین مزدیسنا بوده و باید برج‌هایی برای ستایش آتش در فضای باز می‌داشتند. در حقیقت در دوره ساسانی از زمان بهرام دوم به بعد بود که آئین زرتشت بر اثر فعالیت‌های کرتیر روحانی، مذهب رسمی اعلام شد. اما در بیشاپور برج آتش وجود ندارد.

■ شما بر اساس چه انگیزه‌ای شروع به کاوش در معبد آناهیتا کردید؟

ما بر اساس این فرضیه که این بنا مسلمان آتشگاه نیست کار خود را آغاز کردیم. زیرا بر اساس پلان، این بنا چارتاقی با گنبد در جهات اربعه نیست، و پائین‌تر از سطح زمین‌های اطراف نیز ساخته شده



است. پس نمی توان آن را "آتشگاه" نامید.

■ در طی چه زمانی بر روی این بنا به فعالیت باستان‌شناسانه پرداختید؟

در طی سه دوره پنج ماهه در معبد حفاری انجام دادیم و مرمت کل مجموعه نیز چهار سال به طول انجامید.

■ مرمت شما با نمونه اولیه چقدر تطبیق داشت؟

به غیر از مرمت ناقصی که در دوره ساسانی اعمال شده درباره اصالت بقیه بنا و مرمت آن شککی وجود ندارد. در این مرمت به جای سنگ چکشی از لاشه سنگ استفاده شده و در رواق سنگ نعل درگاه، پائین تر آورده شده است. در حقیقت تاق دالانی که مقصد آب را تشکیل می دهد هلالی است در حالی که در طرف دیگر ربع هلال است. در آن زمان نظر افرادی را چون گیرشمن، فروغی، پیرنیا، خانم تیلیا و کلایس را در این رابطه جویا شدیم اما به نتیجه ای نرسیدیم. بدین ترتیب بر اساس قالب گیری جدید با نی، سنگ های جدیدی تراشیده شد تا در محل ناقص به کار رود. مرمتی که جز اهل فن افراد دیگر قادر به تشخیص آن نیستند. از این طریق امکان مرمت قسمت های بالایی نیز فراهم شد.

■ آیا شکل بنا تغییری نکرد؟

ابتداً این مرمت بر اساس قاعده "تقلید ظریف و متناسب از خلق آثار هنری گذشته در اماکن معیوب و ناقص و به صورت مشخص و در مواقع ضروری" انجام پذیرفته بود، که کمتر کسی قادر به تشخیص آن است.

■ آیا معبد آنهایتا از ابتدا فاقد سقف بوده؟

بله. به دلیل عملکرد خاص بنا در نمایش و ستایش آب لازم بوده تا بنا فاقد سقف باشد. نیایشگران می‌بایست قادر باشند تصویر خود را در آب ببینند که لازمه آن نور کافی بوده و با تعبیه سقف به این هدف نمی‌رسیدند. ضمن این‌که به این ترتیب آب کانال‌ها نیز به دلیل شکست نوری که از درگاه‌ها می‌آمد همانند قوس قزح رنگی دیده می‌شد.

■ به چه دلیل بنای معبد و معماری آن در گودی است؟

با هدف امکان وارد کردن آب به بنا. قبل از ساخت این بنا قناتی در محل وجود داشته که از فاصله ۲۵۰ متری از انشعاب رودخانه شاپور آب را به این مکان منتقل می‌کرده است و هم‌اکنون انتهای آن دالان معبد را تشکیل می‌دهد. شالوده بنا را طوری طراحی کرده‌اند که قنات را در این محل قطع کند تا از آب آن استفاده کنند. این بنا اولین مکانی است که قبل از احداث در آن لوله‌کشی آب شده. دالانی دور تا دور معبد به پهنای دو متر وجود دارد. که البته عرض آن در قسمت ورودی در جنوب کمتر است و فاقد کانال آب نیز می‌باشد، تا شخص از فضای تاریکتری وارد صحن مرکزی شود. با خروج از دالان‌ها نیایشگر آب توقف می‌کرده و به گردش آب در کانال‌ها نظاره می‌کرده است. در حوض صحن مرکزی نیز که نیایشگر می‌توانسته تصویر خود را





■ درباره پیشینه الهه اناهیتا به عنوان الهه آب در ایران چه نظری دارید؟

اولین بار در زمان هخامنشان و در دوره اردشیر دوم به نام اناهیتا برخورد می کنیم. وی در سنگ نبشته ای می گوید "این مملکت را مهر و اناهیتا به من ارزانی داشت و بشود این مملکت را حفظ کنند". پادشاهان قبلی از خوف مادی ها که دین زرتشتی داشتند از بردن نام مهر و اناهیتا پرهیز می کردند. از این زمان به بعد نیز دیگر نامی از اناهیتا برده نشده است. به ویژه در زمان پارتیان تا این که در زمان ساسانیان در کتیبه کعبه زرتشت در زمان شاپور دوم به این نام برخورد می کنیم. در سطر هشتم این کتیبه آمده است که "برای ملکه آذر اناهیتا در پایتخت خود (بیشاپور) معبدی ساختیم."

■ آیا توجه به آب در معماری دوره اسلامی می تواند الهام گرفته از کارکرد آب در معبد اناهیتا باشد؟ با توجه به این که آب در معماری اکثر مناطق جهان بیشتر جنبه کاربردی و تزئینی داشته، اما در معماری دوره ساسانی و اسلامی جنبه نمادین آن نیز رعایت شده است.

بله. آب در معماری بناهای مقدس پیش از معبد اناهیتای بیشاپور بیشتر جنبه کاربردی داشته است. مثلاً در دوره ایلامی در کورانگون فارس جهت اجرای مراسم مذهبی، رو به روی مکان اجرای مراسم، آب نمایی جهت تطهیر احداث گشته بود. (تصویر) در چغازنبیل نیز حوضچه آب برای تطهیر وجود داشته است. در دوره هخامنشی نیز در خروجی کاخ خشایار شاه حوض بزرگی دیده وجود دارد که احتمالاً باز هم کاربرد آیینی داشته است. استخر بزرگ آب در دامنه کوه رحمت هم می تواند نشانه ای برای جنبه آیینی آب در دوره تاریخی خود باشد.

آب نمای معبد بیشاپور کاملاً نمادین است. این توجه به جنبه های معنایی آب برای ستایش که بعد ها در معماری اسلامی چون مساجد جامع و باغ ها دیده می شود، در معماری مغرب زمین کمتر مورد توجه بوده است.

چون آینه در آن مشاهده کند، سرعت ورود و خروج آب طوری تنظیم شده بود تا همواره سطح آب ثابت بماند. بدین ترتیب در زمان انجام مراسم مذهبی آب در این بنا دارای دو نوع گردش عینی (در جوی ها) و غیر عینی (آب صحن مرکزی) بوده است. در صحن مرکزی به دلیل موج نداشتن و بی حرکت بودن آب در گودی به ارتفاع ۱۴ متر، از طریق دو مجرای آب و سوراخ های ریزی که در سنگ های کناره تعبیه شده بود، آب در عین این که ساکن دیده می شد و نقش آینه ای و روحانی اش را حفظ می کرد، در سطح زیری دارای جریان ظریفی بود تا از راکد ماندن آب جلوگیری شود.

باید اشاره کنم که معبد اناهیتا فقط در کاخ های حکومتی ساخته می شد. زیرا نیایش آب و طلب باران وظیفه شخص شاه دانسته می شد و در صورت خشکسالی شاه از طرف مردم بی دین خوانده می شد. در چنین مواقعی پادشاهان بخشی از مالیات ها را به دلیل قصورشان به مردم می بخشیدند. اما آتشگاه ها مختص شاهان نبود و مردم عادی نیز جهت عبادت به این مکان ها دسترسی داشتند.

■ آیا در تخت سلیمان نیز معبد اناهیتا وجود دارد؟ احتمالاً. بنایی در این مکان است که امکان ورود آب به آن فراهم شده است اما جهت اطمینان حداقل نیاز به ۴ متر حفاری و تعیین پلان دقیق بنا است.

■ شکل پله های ورودی معبد با شیب تیز و بدون فضای واسط برای ورود به فضای مقدس معبد می تواند الهام گرفته از معماری ایلامی همچون چغازنبیل باشد؟

خیر. این بنا تحت تأثیر معماری هخامنشی و البته به صورت پیشرفته تر است. مثلاً در این بنا برش های فارسی قطعات سنگ دیده می شود در حالی که در تخت جمشید این گونه نیست. در چغازنبیل نیز پله های تیز ما را وارد مصطبه هایی می کند که محل اصلی عبادت نبودند.

به دلیل عملکرد خاص بنا در نمایش و ستایش آب لازم بوده تا بنا فاقد سقف باشد. نیایشگران می بایست قادر باشند تصویر خود را در آب ببینند که لازمه آن نور کافی بوده و با تعبیه سقف به این هدف نمی رسیدند. ضمن اینکه به این ترتیب آب کانال ها نیز به دلیل شکست نوری که از درگاه ها می آمد همانند قوس قزح رنگی دیده می شد.